

زنگات پر کاربرد در روان خوانی و تجوید قرآن

■ نکته 1- صامت ها: یعنی همان حروف که در زبان عربی ۲۸ حرف میباشد

■ نکته 2- مصوت: یعنی همان صدا ها که شامل دو دسته است الف) کوتاه [فتحه، کسره، ضمه] ب) کشیده [آ، ای، او]

■ نکته 3- علائم: پر کاربرد ترین علائم در آیات:

1- سکون «ْ» حرفی که هیچ گونه حرکتی را نداشته باشد ساکن گویند

2- تشدید «ّ» حرفی که تشدید دارد را با شدت، تاکید و کمیر مکث خوانده میشود.

3- تنوین «ً» نون ساکن زائدی که خوانده میشود اما نوشته نمیشود. [ماءٌ، کرامٌ، عابدٌ]

4- مد «ـ» به معنای کشش حروف مدی بیش از مقدار معمول است که فقط بر روی حروف مدی «وا، ی» میآید؛ مانند: [شَاءٌ، جَاءٌ، سَوَاءٌ]

■ نکته 4- حروف ناخوانا: برخی حروف در آیات قرآن کریم خوانده نمیشوند، از جمله:

1- دو حرف «ا»، «ی» هر گاه همراه با تنوین فتحه باشد در هنگام وصل خوانده نمیشود و در هنگام وقف به الف تبدیل میشوند مانند [کرامًا، هدی]

2- همزه وصل میان دو کلمه «أ» [وَأَرْحَمْنَا]

3- پایه های الف مدی [موسى، صلوة، نادىها]

4- حروف «وُ أَى» هر گاه دایره کوچک روی آنها باشد [أولوا، أقابن]

5- حروف مدی «و ای» ما قبل همزه وصل «أ» خوانده نمیشوند [ذالکفل، فى الدنيا، ذو العرش]

6- پایه های همزه «و ائ» [أمنوک، امین، یؤخر، فرى]

7- لام نزد حروف شمسی «ش ن ل ز ر د س ت» هر گاه حرف لام به یکی از حروف شمسی برسد لام خوانده نمیشود مانند [والشمس]

■ نکته 5- قانده های صحت قرائت و پیوسته خوانی کلمات به شرح زیر هستند:

1- جرّوف مقطعه: در ابتدای ۲۹ سوره قرآن کریم حرفی به هم چسبیده امدهاند که آنها را هنجگام خواندن جدا از هم و هر حرف را با اسمش تلفظ میکنند [الم که خوانده میشود الف لام میم]

2- اشباع: یعنی تبدیل صدای کوتاه به کشیده فقط در حرف «ه» هنگامی که حرکت ضمه یا کسره بگیرد [له، به]

3- رفع التقاء ساکنین: هرگاه دو حرف ساکن در کنار هم قرار گیرد به ساکن اولی کسره میدهیم که به آن رفع التقاء ساکنین میگویند [عاد المرسلین، لهوا انفضوا، بنس الاسم]

■ نکته 6- نحوه خواندن همزه وصل از ابتدای کلمه : سه حالت دارد:

1- اگر بعد از همزه وصل حرف لام بیاید «أل» به همزه وصل فتحه می‌دهیم مانند: [الْحَمْدُ لِلَّهِ ، آلرَحْمَان]

2- اگر بعد از همزه وصل، اسم بیاید هنگام قرائت آن از ابتدا به همزه وصل کسره می‌دهیم مانند: [أَيْنَ مَرْيَمَ ، أَسْمُهُ ، أَمْرًا ، أَسْتَكْبَارًا]

3- اگر بعد از همزه وصل فعل بیاید، حرکت اولین حرف متحرک که معمولاً همان حرف سوم است را نگاه می‌کنیم اگر ضمه بود به همزه وصل ضمه می‌دهیم [أَنْظُرُوا] و اگر حرکت آن حرف سوم کسره یا فتحه بود به همزه وصل کسره می‌دهیم مانند: [أَذْهَبَ، أَرْجَعِي]

● نکته: هر گاه بعد از همزه وصل همزه ساکنی بیاید در هنگام خواندن از ابتدا به «ای» تبدیل می‌شود [أَيْتٌ میشود ایت] [أَتُونِي میشود ایتونی]

■ نکته 7- نحوی وقف بر کلمات:

1- وقف بدون تغییر اگر بر کلمه ای وقف کنیم که آخرش ساکن یا یکی از صدا های کشیده (ا ی و) باشد کلمه بدن تغییر خوانده می‌شود مانند: [إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ] [وَالشَّمْسُ وَضُحَاهَا] [وَأَدْخَلِي جَنَّتِي] [لَنْ يُبْعَثُوا]

2- وقف ابدال : به معنای تبدیل شدن حرف آخر به حرف دیگر در هنگام وقف:

الف) هر گاه حرف (ة) با هر حرکتی در آخر کلمه باشد هنگام وقف بر آن تبدیل به (ه) مانند: [الْقَارِعَةُ ، لَا تَسْمَعُ فِيهَا لِأَغْيَةٍ]

ب) تنوین فتحه در هنگام وقف تبدیل به الف می‌شود مانند [إِنْشَاءً میشود إِنْشَاءًا] [سُدًى میشود سُدًى]

3- وقف اسکان : به غیر از تنوین فتحه هر حرکتی که در آخر کلمه بیاید در هنگام وقف تبدیل به سکون می‌شود. مانند: [عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ] [وَالْعَصْرِ] [لَا يَلْفَ فُرَيْشٍ] [كَأَنَّهُ جَمَالَتٌ صُفْرٌ]

■ نکته 8- علاعم وقف:

ع وقف جایز : یعنی هم می‌شود وصل کرد وهم وقف کرد.

ص وقف ممنوع در هیچ صورت نباید وقف کنیم.

ض وقف لازم : باید وقف صوصورت گیرد.

ظ وقف بهتر است : وقف بهتر از وصل کردن است.

ط وصل بهتر است : وصل کردن بهتر از قطع کردن است.

ث وقف معانقه : این علامت بر روی دو کلمه می‌آید که نمی‌شود بر هر دو کلمه وقف کرد اما میتوان بر یکی از آنها وقف کرد.

■ نکته 9 - مخارج حروف در زبان عربی : در زبان عربی تلفظ ده حرف با فارسی متفاوت است

« واو، ثاء، ذال، ظاء، حاء، عین، غین، طاء، صاد، ضاد »

- 1- واو، و: لب هارا به صورت غنچه و بدون برخورد دندان با لب تلفظ میشود. مانند: [وَجَدَ]
- 2- ثاء، ث: اتصال نوک زبان به سر دندان های بالا و با دمیدگی هوا تلفظ میشود. مانند: [ثَمَّ]
- 3- ذال، ذ: برخورد نوک زبان به سر دندان های بالا به صورت نازک و کم حجم تلفظ میشود. مانند: [إِذْهَبْ ، اَلَّذِيْنَ]
- 4- ظاء، ظ: برخورد نوک زبان با سر دندان های بالا به صورت درشت و پر حجم تلفظ میشود. مانند: [عَظِيْمٌ ، ظَلَمَ]
- 5- حاء، ح: از وسط حلق با فشردگی و گرفتگی خاصی تلفظ میشود. مانند: [اَلرَّحْمٰنُ ، اَلرَّحِيْمُ]
- 6- عین، ع: از وسط حلق و با جمع شدن دیواره های حلق و کمی کشیده تلفظ میشود. مانند: [اَعْلٰی ، عَالَمِيْنَ ، نَعْبُدُ]
- 7- غین، غ: ریشه زبان به زبان کوچک نزدیک شده و به صورت سایشی و نرم و دنباله دار تلفظ میشود. مانند: [غَيْرِ الْمَغْضُوْبِ]
- 8- طاء، ط: سطح زبان و ریشه زبان میل به سقف دهان دارد و به صورت درشت و پر حجم تلفظ میشود. مانند: [شَيْطٰنٌ ، صِرَاطٌ]
- 9- صاد، ص: نزدیک شدن جلوی زبان به لثه های بالا و به صورت درشت و پر حجم تلفظ میشود. مانند: [صٰلِحِيْنَ ، صَمَدٌ]
- 10- ضاد، ض: برخورد کناره زبان با دندان های آسیا بالا و به صورت درشت و پر حجم تلفظ میشود. مانند: [مَغْضُوْبٌ ، ضٰلِيْنَ ، ضَلَّ]

■ نکته 10- صفات حروف: صفات حروف شامل دو دسته است:

1- صفات اصلی: صفاتی که پیوسته همراه حرف و ملازم با آن هستند یعنی این صفات ذاتی برای آن حروف هستند:

الف) استعلاء: به معنای میل ریشه زبان به طرف کام بالا در هنگام تلفظ حرف (درشت و پر حجم تلفظ کردن حروف) «ص،ض،ط،ظ،غ،ق،خ» توضیح صفت: هرگاه این حروف فته بگیرند دارای استعلاء بیشتر و هر گاه ضمه وساکن بگیرند دارای استعلاء متوسط و هر گاه کسره بگیرند استعلاء کمتری دارند.

● نکته: منظور از درشت و پر حجم تلفظ کردن یعنی جمع کردن لب ها و دهان را پر از هوا کردن!

● نکته: در مقابل صفت استعلاء، صفت استفال به معنای نازک و کم حجم خواندن حروف قرار دارد که مربوط به ما بقی حروف میباشد.

مانند: [خَلَقَ ، صٰلِحِيْنَ ، ضٰلِيْنَ ، شَيْطٰنٌ ، ظَلَمُوا ، مَغْضُوْبٌ ، قَالٌ]

ب) اطباق: به معنای منطبق شدن بخشی از سطح زبان با سقف دهان در هنگام تلفظ این حروف «ص،ض،ط» که موجب درشت و پر حجم تر تلفظ شدن آنان میشود.

توضیح صفت: هرگاه این حروف فته بگیرند دارای اطباق بیشتر و هر گاه ضمه وساکن بگیرند دارای اطباق متوسط و هر گاه کسره بگیرند اطباق کمتری دارند.

● نکته: در مقابل صفت اطباق، صفت انفتاح (باز و گسترده شدن) قرار دارد که مربوط به ما بقی حروف است

مانند: [صٰلِحِيْنَ ، ضٰلِيْنَ ، شَيْطٰنٌ ، ظَلَمُوا]

2- صفات فرعی: صفاتی که باعث میشوند حرف نیکو تر و کامل تر ادا شود

الف) صفت قلقله: به معنای ظاهر کردن صدای حرف در هنگام سکون میباشد که مخصوص حروف «ق،ط،ب،ج،د» است.

توضیح صفت: هر گاه حروف قلقله به صورت ساکن باشند برای بهتر ادا شدن آنها به وسیله این حروف را بیشتر ظاهر میکنیم

● نکته: بالاترین مرتبه این صفت زمانی است که این حروف در آخر کلمه و مشدد باشند

مانند: [الحق ، نطفة ، قریب ، فجر ، أخرج ، أحد ، صمد]

ب) صفت نبره: به معنای محکم و تیز ادا کردن حرف همزه میباشد که حتی در هنگام ساکن بودن هم این صفت را دارد.

مانند: [أحد ، أكبر ، إذا ، إن ، مؤمن ، یأتی]

ج) صفت لین: به معنای نرم ادا شدن حرف که مخصوص دو حرف «و»، «ی» ساکن ما قبل مفتوح میباشد.

مانند: [یوم ، فوق ، بیت ، لیل ، خیر ، قوم]

■ نکته 11- احکام حروف: این احکام شامل 4 دسته میباشد (تفخیم، ادغام، احکام نون ساکن و تنوین، احکام میم ساکن)

1- تفخیم حروف: (به معنای درشت و پر حجم ادا نمودن حرف) و در مقابل آن ترقیق به معنای نازک ادا کردن حرف قرار دارد

که شامل سه بخش است:

الف) تفخیم در حروف استعلاء «ص،ض،ط،ظ،غ،ق،خ»

ب) تفخیم در حرف «ر» در سه حالت:

حالت اول) حرف «ر» فتحه داشته باشد. مانند: [رَحمان ، رَحیم]

حالت دوم) حرف «ر» ضمه داشته باشد. مانند: [رُزق]

حالت سوم) حرف «ر» ساکن باشد و ما قبل «ر» ضمه یا فتحه باشد. مانند: [عَفُور ، یَرحمون]

● نکته: در ما بقی موارد حرف «ر» ترقیق میشود

ج) تفخیم حرف «ل» در لفظ جلاله الله هنگامی که ما قبل آن فتحه یا ضمه بیاید. مانند: [مع الله ، یُد الله ، إنَّ الله]

● نکته: اگر قبل از کلمه الله کسره بیاید ترقیق میشود. مانند: [بِسْمِ الله ، بِالله]

2- ادغام: عبارت است (از داخل کردن حرفی در حرف دیگر به شکلی که دو حرف کنار هم باشند و اولی ساکن، دومی متحرک باشد حرف اول تلفظ نشده و به جای آن حرف دوم مشدد ادا شود) که شامل هفت مورد است:

الف) دو حرف مثل هم مانند: [قَدْخَلُوا]

ب) «ب» در «م» مانند: [اَرْكَبُ مَعْنَا]

ج) «ق» در «ک» مانند: [نَخْلَقُكُمْ]

د) «ل» در «ر» مانند: [قُلْ رَبِّي]

ه) «ت د ط» هر گاه دو تا از آنها شرایط ادغام را داشته باشد مانند: [عَبَدْتُمْ]

و) «ث ذ ظ» هر گاه دو تا از آنها شرایط ادغام را داشته باشد مانند: [اِنْظَلَّم]

ز) «ن» و «تنوین» در «یرملو» مانند: [مَنْ يَعْمَلْ ، مَنْ وُلِيَ]

3- احکام نون ساکن و تنوین که شامل چهار دسته است:

الف) ادغام: هر گاه «ن» ساکن و تنوین به حروف یرملون برسد در آنها ادغام میشود مانند: [لَنْ يَغْفِرَ ، مِنْ رَبِّ ، حَلَّافٍ مَّهِينٍ ، مَغْفِرَةٌ وَّ أَجْرٌ ، خَيْرٌ لَكُمْ]

ب) اقلاب: هر گاه «ن» ساکن و تنوین به حرف «ب» برسد نون تبدیل به «م» مانند: [مِنْ بَعْدِ]

ج) اظهار: هر گاه «ن» ساکن و تنوین به حروف حلقی «ه ه ع ح غ خ» برسد حرف نون را کاملاً ظاهر میکنیم مانند: [مِنْهُمْ ، عَذَابٌ أَلِيمٌ]

د) اخفاء: هر گاه «ن» ساکن و تنوین به مابقی حروف برسد کاملاً مخفی میشود مانند: [أَنْتُمْ ، جَنَاتٍ تَجْرِي]

4- احکام میم ساکن که شامل سه دسته است:

الف) ادغام: هر گاه «م» ساکن به میم متحرک برسد در آن ادغام میشود مانند: [أَنْتُمْ مَبْعُوثُونَ]

ب) اخفاء: هر گاه «م» ساکن به حرف «ب» برسد حرف «م» ساکن مخفی میشود یعنی داخل غشای بینی تلفظ میشود مانند: [فَإِذَا هُمْ بِسَاهِرَةٍ]

ج) اظهار: هر گاه «م» ساکن به مابقی حروف برسد کاملاً ظاهر میشود مانند: [كَمْ لَيْسْتُمْ]

■ نکته 12- مراتب غنة: منظور از غنه صدایی است که در حین ادای دو حرف نون و میم از فضای بسینی شنیده میشود که دارای کشش است که پنج مورد است:

الف) «م» و «ن» مشدد مانند: [أَمَّا ، إِنَّا]

ب) ادغام «م» ساکن در «م» متحرک مانند: [إِنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ]

ج) ادغام «ن» ساکن و تنوین در «یمون» مانند: [نَصْرٌ مِّنَ اللَّهِ ، وَمَنْ]

د) اخفاء «م» ساکن در با مانند: [أَكْذِبْتُمْ بِآيَاتِي]

ه) اخفاء «ن» ساکن مانند: [مَنْ تَابَ]

■ نکته 13: احکام مدّ و قصر: مد به معنای کشش صدا های کشیده و آوا های لین ، بیشتر از مقدار طبیعی میباشد:

◆ نکته : حروف مدی : صدا های کشیده « و ای » و آوا های لین « و » و « ی » را حروف مدی گویند

◆ نکته: همزه « همزه، سکون، تشدید» را سبب های مد مینامند (سبب مد :أملی است که اگر بعد از حروف مد قرار گیرد، مد تولید میشود)

◆ نکته : قصر عبارت است از ادای حروف مد بدون کشش اضافی

انواع مد :

الف) مد متصل :هر گاه یکی از صدا های کشیده وهمزه در یک کلمه قرار گیرد مد متصل ایجاد میشود مانند: [شَاءَ ، جِيَءَ ، سَوَاءَ]

ب) مد منفصل :هر گاه حرف مد در پایان کلمه ای باشد و سبب مد در ابتدای کلمه بعد قرار گرفته باشد مد منفصل ایجاد میشود مانند: [إِنَّا أَنْزَلْنَا]

ج) مد لازم: هرگاه بعد از حروف مدی ، حرف ساکنی قرار گیرد که سکون آن ذاتی و اصلی باشد مد لازم ایجاد میشود مانند: [ضَالِّينَ ، دَابَّةً ، صَاحَّةً]

د) مد سکون عارضی: هرگاه بعد از صدا های کشیده حرف ساکنی قرار گیرد که سکون آن عارضی مد عارضی تولید میشود

● نکته: این نوع مد هنگام وقف ایجاد میشود و اختیاری است

ه) مد لین : به مدی گویند که حرف مد آن یکی از آوا های لین « و » و « ی » باشد و سبب آن سکون است مانند: [يَوْمَ ، بَيْت]

● نکته: میزان کشش در مد لازم ۶ حرکت و در ما بقی مد ها ۴ حرکت میباشد.

● نکته: سبب مد در حروف مقطعه سکون است

■ نکته 14: احکام وقف و وصل وابتدا :

تعرف وقف: یعنی قطع صدا در آخر کلمه به مدت کوتاهی برای تجدید نفس، و قصد ادامه ی قرائت

تعریف ابتدا: به معنای آغاز تلاوت پس از وقف میباشد

1- اقسام وقف :

الف) وقف اختیاری: وقتی که قاری با تشخیص اینکه عبارت دارای معنا مفیدی است، اختیاراً وقف نماید. که مبنای آن ارتباط بین دو جمله قبل و بعد از محل وقف میباشد که این رابطه بر دو قسم است:

- رابطه لفظی: هرگاه از نظر دستور زبان عربی(علم نحو) میان دو عبارت رابطه اعرابی وجود داشته باشد به طوری که عبارت اول ، عامل اعراب در قسمت دوم باشد و یا بالعکس.

- رابطه معنوی: یعنی بین دو عبارت قبل و بعد از نظر معنا و موضوع رابطه وجود دارد

ب) وقف اضطراری: وقتی که غاری به ناچار بر عبارتی که دارای معنای مفیدی نیست وقف میکند

● نکته: وقتی که موجب فساد یا تغییر در معنا شود وقف قبیح نام دارد

نکته: ابتدا نمودن از عبارتی که موجب تغییر و خلل در معنای منظور شود قبیح است

■ نکته 15: سکت: عبارت است از قطع صدا توسط غاری برای مدت کوتاهی بدون تجدید نفس

مانند: [وَقِيلَ مَنْ رَاقٍ]